

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

این تفریع بر ما قبل است در روایات دیگر ما صدري داشتیم و در ذیل آن یک تعبیر کلی که بمنزله علت بود بیان می شد. اما اینجا تفریع بر ما قبل است و جایی که تفریع باشد ما قبل قطعاً قرینه برای ما بعد می شود. این نکته را قبلاً عرض کردیم که باید توجه داشته باشید و ما هم این را قبول داریم، ولو اینکه در کلمات به این نکته بزرگان تصریح نشده است، و آن این است که مجرد لفظ فراغ یا مجرد لفظ جاوز و تجاوز، دلالت بر این ندارد که این در مقام بیان قاعده فراغ است و آن در مقام بیان قاعده تجاوز. یعنی اگر ما به قرینه روایات دیگر گفتیم که قاعده تجاوز شک در وجود را می گیرد، اعم از **حين العمل یا بعد العمل**.

کما اینکه مبنای اصلی امام (رضوان الله علیه) در این که می فرمایند این دو تا قاعده یعنی قاعده تجاوز و فراغ یک قاعده است و آن هم عنوان تجاوز را دارد، مبنای اصلی ایشان این است که تجاوز هم در حین عمل هست و هم بعد العمل. هم در شک در وجود و هم در شک در صحت است؛ اگر این را گفتیم دیگر از فراغ در اینجا قاعده فراغ استفاده نمی شود، همان قاعده تجاوز استفاده می شود. اما حالا ما معتقدیم وقتی مجموع روایات را بررسی بکنیم، مجموع روایات با این فرمایش امام مساعد نیست و نمی شود این فرمایش را پذیرفت. چه بگوییم؟

ممکن است این مطلب را بگوییم - کما اینکه در یک روایت دیگری هم هست - قاعده فراغ اعم است از آنجاییکه ما در صحت مجموع عملی که واقع شده شک بکنیم، بدون اینکه این شک در صحت ما، یک منشأ جزء معینی داشته باشد. عملی است انجام دادند، حالا عمل که تمام شده و فارغ از عمل شدم، برای من شک حاصل است که اصلاً درست بود یا نه. روی یک جزء معین هم انگشت نمی گذارم که آیا فلان جزء را آوردم یا نه، صحیحاً آوردم یا نه، مجموع عمل را.

بگوییم قاعده فراغ، هم شک در صحت مجموع عمل را شامل می شود. هم آنجایی که بعد از فراغ از عمل، شک در اتیان یک جزء معینی باشد. آنجایی که عمل ما تمام می شود و ما شک می کنیم که یک جزء معینی را آوردیم یا نه، الان نماز تمام می شود شک می کنم در رکعت اول رکوع را آوردم یا نه. بگوییم اینجا هم مجرای قاعده فراغ است. از این روایت این مطلب به خوبی استفاده می شود.

روایت پنجم

یک روایت دیگری هم هست در ابواب الوضوء، باب 42 حدیث 5 . وَ عَنْهُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) رَجُلٌ شَكَّ فِي الْوُضُوءِ بَعْدَ مَا فَرَغَ مِنَ الصَّلَاةِ قَالَ يَمْضِي عَلَى صَلَاتِهِ وَ لَا يُعِيدُ بَعْدَ أَنْ تَمَّازَ تَمَامَ شَكِّكَ فِي الْوُضُوءِ يَعْنِي شَكَّكَ فِي الْوُضُوءِ وَضوء گرفت یا نه، در وجود و عدم وجود وضوء، شک می کند.

امام فرمودند **يَمْضِي عَلَى صَلَاتِهِ** . بايد بنا را بر صحت بگذارد و نمازش صحيح است. پس ما تا اینجا با این دو روایت، می‌توانیم این ادعا را بکنیم: مورد قاعده فراغ اعم است، هم شک در صحت را شامل می‌شود هم شک در آوردن و نیاوردن یک جزء معین را شامل می‌شود.

قبل از اینکه این چند روایت دیگر را هم بررسی کنیم. کسانی که قائل شدند به اینکه قاعده فراغ و قاعده تجاوز دو تا قاعده است، مثل مرحوم محقق عراقی، مرحوم محقق همدانی و خود مرحوم آخوند خراسانی و جمعی دیگر، تغایر بین القاعدتین را از راه شک در وجود و شک در صحت می‌گیرند. می‌گویند قاعده تجاوز مربوط به شک در وجود است و قاعده فراغ مربوط به شک در صحت است. لذا مورد اینها از این جهت مختلف است و دو قاعده می‌شود. به نظر ما این معنا از روایات استفاده نمی‌شود. یعنی اگر ما بخواهیم اینها را دو تا قاعده قرار بدهیم و فارغ بین اینها و جهت مغایرت بین اینها را همین بگوییم.

بگوییم قاعده تجاوز در شک در وجود است و قاعده فراغ در شک در صحت، این از روایات استفاده نمی‌شود. آنچه که بعد از تأمل زیاد از روایات استفاده می‌شود این است، اینها دو تا قاعده اند یک قاعده مربوط به شک بعد العمل است. یک قاعده مربوط به شک حین العمل است.

اینطور به نظر می‌رسد که تغایر بین اینها از این جهت است. شما ببینید آن چند روایتی که در باب قاعده تجاوز خواندیم مربوط به شک در حین العمل است و این روایات فراغ مربوط به شک بعد العمل است. و بحث دیگری هم که هست این است که حالا چون بعضی از آقایان سوال می‌کردند می‌گویند ثمره این بحث این که دو تا قاعده باشد یا یک قاعده ثمره اش را ان شاء الله بیان می‌کنیم.

پس ببینید فارغ بین قاعده تجاوز و قاعده فراغ همین است. ما باشیم و روایات فراغ، روایات فراغ می‌گوید اگر بعد از عمل شک کردی، حالا این شک می‌خواهد شک در صحت باشد می‌خواهد این شک، شک در وجود باشد، اینجا قاعده فراغ، جاری می‌شود. قاعده تجاوز، می‌گوید اگر در حین عمل شما شک کردید، یعنی اگر این روایات قاعده تجاوز را نداشتیم، می‌گفتیم با روایات قاعده فراغ، باید به شک در حین عمل اعتناء کنیم. اگر روایات تجاوز را نداشتیم. می‌گفتیم اگر در حین عمل، در سجده‌ای شک کردید رکوع انجام دادید یا نه؟ باید برگردید انجام بدهید.

چون در این روایات موردی را پیدا نمی‌کنید که قاعده فراغ در حین عمل جاری بشود، فقط قاعده تجاوز در حین عمل جاری است. آن وقت تغایر برگشت به **حین العمل و بعد العمل**. حالا وقتی که ملاک و فارغ را حین العمل و بعد العمل قرار دادیم. می‌گوییم که حین العمل شک کرد. خود فراغ از عمل، یک ملاکی است عرفاً و عقلاً، عملش تمام شده. و اما شارع در خود عمل می‌گوید اگر از محل مقرری که من معین کردم گذشتی تعبداً، دیگر به این شکت اعتنا نکن. یعنی تجاوز از محل یک ملاکی که عقلاً هم بخواهند بر او تسلط بکنند نیست. فراغ یک چیزی است که عقلاً هم می‌توانند بر او تسلط بکنند **این یک نکته**.

حالا در شک در حین عمل، ما الان در شک بعد از عمل این روایات را خواندیم که قاعده فراغ را دلالت دارد حتی در آنجایی که بعد العمل شک در وجود بکنیم. آیا در حین عمل که ما شک می‌کنیم و می‌گوییم مجرای قاعده تجاوز است آن فقط در شک در وجود است یا آنجا هم شک در صحت را می‌گیرد. اگر کسی در سجده شک کرد که رکوعش را صحیحاً انجام داده یا نه؟

ببینید ما در اینجا اگر از نظر مدلول مطابقی روایات بخواهیم وارد بشویم، مدلول مطابقی روایات تجاوز تماماً در شک در وجود است. و لکن آن روز عرض کردیم که این جا قاعده فراغ را جاری نمی‌کنیم در آنجاییکه شک در صحت می‌کنیم. اینجا می‌آییم از راه مفهوم اولویت قاعده تجاوز وارد می‌شویم.

می‌گوییم اگر در حین عمل قاعده تجاوز نسبت به اصل وجود یک شیء جاری شد، به طریق اولی آنجایی که شک در صحتش داریم جاری می‌شود، مدلول مطابقی اش. البته این ادعا ما است ممکن است شما بفرمایید نه. مدلول مطابقی این روایات تجاوز، هم شک در وجود است و هم شک در صحت است. از این نظر در آن فارغی که ما بین القاعدتین بیان می‌کنیم تأثیری نمی‌گذارد.

فارق بین القاعدتین

فارق بین القاعدتین چیست؟ می‌گوییم قاعده فراغ مربوط به شک بعد العمل است قاعده تجاوز مربوط به شک حین العمل است. مورد قاعده فراغ خواه شک در صحت باشد یا اعم از صحت و وجود. مورد قاعده تجاوز خواه فقط شک در وجود باشد یا اعم از صحت و وجود. این معنا در آن فارغی که ما می‌خواهیم بیان کنیم، تأثیری ندارد. حالا که بین این دو تا قاعده فرق پیدا شد، امام (رضوان الله تعالی علیه) می‌فرمایند که فرقی نمی‌کند، ما یک قاعده بیشتر نداریم. می‌فرمایند قاعده تجاوز اعم مطلق است از قاعده فراغ یعنی شما اگر بعد از عمل هم شک کردید در صحت عمل، قاعده تجاوز جاری است. عرض ما این است که روایات مساعد این فرمایش نیست.

تجاوز از مجموع عمل، در هیچ روایتی نیامده است. یک تعابیر کلی داریم، که حالا آنها را هم باید بررسی کنیم ببینیم که آیا از آن تعابیر فرمایش امام استفاده می‌شود یا نه. در روایات فراغ، این روایت را خواندیم **کل ما شککت فیه بعد ما تفرغ من صلاتک فامض**. هر چیزی که شک در او می‌کنی بعد از فراغ از نماز، ما این روایت را این طور معنا کردیم. گفتیم اگر ما باشیم و شککت فیه، هم به وجود می‌خورد و هم به صحت، هم به حین العمل، هم به بعد العمل. شک فیه، اطلاق دارد. اما این **بعد ما تفرغ من صلاتک**، قرینه می‌شود که این شک مربوط به شک بعد العمل است. **اولا**.

و گفتیم این قرینه می‌شود که عمل آورده شده اما در صحت آن عمل شک داریم. لذا مشهور هم این روایت را حمل بر قاعده فراغ کردند. امام (رضوان الله تعالی علیه) فرمودند که همین روایت بیان یکی از مصادیق قاعده تجاوز است. بیان یک موردی از موارد تجاوز است. فرمودند این روایات می‌گوید اگر بعد از مضی عمل، شک شد در آن عملی که آورده در هر چه که در آن عمل معتبر است - در اجزائش یا در شرائطش، در اثباتش یا در صحت - این روایت می‌گوید به این شک اعتنا نکن و تصریح فرمودند که به نظر ما بر حسب این روایت تجاوز از مجموعه‌ی عمل ملاک است، نه فراغ از عمل. به نظر می‌رسد که این تعبیر با این فرمایش مساعد نباشد. بگوییم از روایت استفاده می‌شود ملاک تجاوز است. تجاوز از داخل عمل بعد العمل، از محلی که باید آورده شود. ملاک تجاوز است و این مصداقی از آن را بیان می‌کند. و ملاک قاعده فراغ نیست این را نمی‌شود استفاده کرد.

عمده روایتی که امام (رضوان الله تعالی علیه) از آن استفاده فرمودند که تجاوز اعم مطلق است و تمام روایاتی که خواندیم و می‌خوانیم می‌فرمایند از مصادیق تجاوز است و این روایت است: **ان شک فی الركوع بعد ما سجد فالیمض و ان فی السجود بعد ما قام فالیمض**. صدر روایت می‌گوید اگر در سجده شک کرد بگذرد. ایستاد و شک در سجده کرد بگذرد. بعد می‌فرماید: **کل شیء شک فیه مما قد جاوزه و دخل فی غیره فلیمض علیه**. کل شیء شک فیه هر شیئی که شک در آن می‌شود. فرمودند این شک فیه، یعنی چه شک در صحت و چه شک در وجود. مما قد جاوزه، از او جاوز. می‌خواهد بعد العمل باشد می‌خواهد حین العمل باشد و دخل فی غیره، در غیر هم داخل شد **فلیمض**.

عمده روایات، ایشان تجاوز به معنای اعم مطلق را اعم مطلق، خوب این را دقت کنید این اصطلاحات گاهی اوقات ذهن را دور می‌کند. اگر گفتیم قاعده تجاوز هم مربوط به شک در صحت است و هم وجود، هم در اثناء عمل است و هم بعد العمل، یک معنای عامی می‌شود. شامل موارد فراغ هم می‌شود. نیازی به قاعده فراغ نداریم. به تعبیر شریف ایشان اگر قاعده تجاوز اعم مطلق باشد. دیگر یک جعل دیگری بنام قاعده فراغ لغو می‌شود.

این روایت را خوب دقت کنید. ما از این روایت آیا فرمایش ایشان را استفاده می‌کنیم یا نه؟ صدر روایت شک حین العمل است، این که روشن است و قبول دارید. **شک فی الركوع بعد ما سجد، فی السجود بعد القیام.** یعنی درست صدر روایت شک حین العمل است. بعد در ذیلش امام (علیه السلام) فرموده **کل شیء شک فیه مما قد جاوزه، هرچیزی که در آن شک دارد. مکرر** عرض کردم ما باشیم و شک فیه، وجود را می‌گیرد، صحت را می‌گیرد، حین عمل را می‌گیرد، بعد العمل را هم می‌گیرد، ما این مقدار را قبول داریم. اما دو تا قرینه خیلی روشن دارد که این هم باز مربوط به حین العمل است. **کل شیء شک فیه مما قد جاوزه و دخل فی غیره.**

این عنوان **جاوزه و دخل فی غیره** یک تعبیر حین العمل استعمال می‌شود. و بعدا هم مشهور گفتند قاعده تجاوز این است که دخول در آن باشد قاعده فراغ دخول در غیر لازم ندارد. به همین جهت که امام ره معنای کلی را استفاده فرمودند، می‌فرمایند به نظر ما هم در فراغ و هم در تجاوز دخول در غیر معتبر است. ولی این **مما قد جاوزه و دخل فی غیره** این ظهور روشن در حین عمل دارد. شما بگویید که این اجمال دارد جاوزه نمی‌دانیم حین العمل است یا بعد العمل را هم شامل می‌شود طبق آن بیان که ما آن روز عرض کردیم. گفتیم اگر در یک کلامی متکلمی مثال بیاورد بعد یک کبری بیاورد کبری قرینه است.

اما اگر چندتا مثال آورد و این مثال‌ها یک محور واضحی داشتند بعد کبری ذکر کرد حول همان محور است. امام (علیه السلام) در صدر روایت دو مورد ذکر کرده، پس این **کل شیء شک فیه** مربوط به حین العمل است صدر روایت مربوط به حین عمل است لذا ذیل روایت هم می‌گوییم مربوط به حین العمل است. اینجا دو سه نکته مهم در کلمات شیخ انصاری و محقق عراقی وجود دارد کلام شیخ در رسائل را ببینید و مرحوم شیخ، می‌فرماید تمام این روایات وحدت سیاق دارد و از این وحدت سیاق یک قاعده ای را اراده کردند.